



قسمت اول

صور خیال در اشعار

تخیلات و تصاویر با حوزه تقسیم‌بندی قدیمی صور خیال، دچار اشکال می‌شویم. در این میان، بررسی صور خیال در اشعار فروغ فرخ‌زاد از دو جنبه، حایز اهمیت است: اول این که او یکی از موفق‌ترین پیروان نیماست که کار نیما را در زمینه وزن و آهنگ و آوردن مسایل زندگی روزمره و عواطف خاص انسان معاصر، در شعر تکمیل کرد. دوم این که او به واسطه بیان احساسات و عواطف زنانه و به تصویر کشیدن آنها نقشی منحصر به فرد در تاریخ ادب ایران دارد. البته انصاف نیست اگر بخواهیم شهرت فروغ را تنها ناشی از تصویر احساسات و تمایلات جسمانی زن بدانیم. چه اگر فروغ، تنها به همین تصویرسازی، بسنده کرده بود، هرگز ارزش و اهمیت فعلی را نداشت. آنچه از این دیدگاه در کار فروغ دارای اهمیت است و جابه‌جا در اشعارش به چشم می‌خورد، تعبیری است ناشی از دقت و ظرافت و حساسیتهای خاص زنانه که گاه با عناصر

فروغ فرخ‌زاد، یکی از چند شاعر پرآوازه معاصر است که پیش از آن که کاری در باب شعر او انجام شده باشد، در باب زندگی او سخنهای فراوانی گفته شده است. صرف نظر از هر آنچه در زندگی شخصی او وجود داشته، شعر او قابلیت بررسی بیش از آنچه انجام شده را داراست. در این مقاله، سعی شده صورتهای مختلف خیال در اشعار فروغ به تفکیک ارائه شود.

در قرن معاصر، همان طور که ارزشها و روشهای زندگی، به سرعت، دستخوش تغییر و دگرگونی گردید، صور خیال شعر نیز به تدریج تغییر کرد و به تبع آن، تصاویر شعری نیز دگرگون شد و مسایل عاطفی و احساسی انسان معاصر، در شعر مطرح شد. صور خیال هر شاعر از تجربیات شخصی او مایه گرفت، نه از تقلید و مطالعه دیوان شعرای پیش از خود و این تازگی و تنوع و گستردگی تصاویر، حیطة مباحث صور خیال گذشتگان را نیز درنوردید، به طوری که گاه در تطبیق این

فروع فرخ زاد . مریم عاملی رضایی

عمومی دارند. این تصاویر از مجموعه عصیان شروع می شوند و در مجموعه های بعد بر حجم آنها افزوده می گردد.

تصاویر و تشبیهات فروغ در مجموعه های ابتدایی، ساده و موجز هستند و یافتن ارتباط میان طرفین آن به آسانی میسر است، اما کم کم، تصاویر از حالت سادگی خود خارج می گردند و در عین ایجاز، پیچیده و عمیق می شوند و درک معنای آنها و یافتن ارتباط میان طرفین تصویر، احتیاج به فعالیت ذهنی بیشتری دارد.

گاه، همان تصاویر ساده مجموعه های قبلی، به واسطه یافتن دید عمیق تر نسبت به مسایل، در مجموعه های بعدی پیچیده می شوند. مثلاً زندگی در سه دفتر اول شعر او به زندان یا کویر تشبیه می شود، اما در تولدی دیگر می گوید:

گوش دادم به همه زندگی ام
جیر جیری سمج و نامفهوم

زندگی و طبیعت، پیوندهای مستقیم و ظریفی برقرار می سازد که شاید نمونه چنین ریزبینی و دقتی را در میان شعرای مرد نتوان یافت.

باری، اگر شعر را «گره خوردگی عاطفه و تخیل که در زبانی آهنگین شکل گرفته است» بدانیم، می بینیم که فروغ توانسته است عاطفه و تخیل را به هم نزدیک سازد و تخیلات او دارای پشتوانه عاطفی قوی است. این امر تا حدود زیادی، ناشی از این است که وی از معانی و عواطف شعرای زن پیش از خود استفاده نکرده و سعی نموده همه چیز را با دریافت خود و از دید خود بیان کند، لذا عواطفش، تصاویری تأثیر گذار به وجود آورده است و در واقع، با معانی تازه، تصاویر تازه ای خلق کرده است. تصاویر او را می توان به دو گونه تقسیم کرد: یکی تصاویری که زمینه شخصی و احساسی دارند که بیشتر در اشعار اولیه او نمود می یابند، و دیگر تصاویری که زمینه اجتماعی و

لحظه ای فانی را چرخ زنان می پیمود

و روان می گشت بر سطح فراموشی

که ساخت این تصویر و تشبیه، ناشی از یافتن درك و دیدی تازه نسبت به زندگی است.

تصاویر فروغ، گاه، تصاویری است که در محدوده هیچ یک از تقسیم بندیهای قدیمی صور خیال نمی گنجد، ولی تصویر است و فضا سازی در آن بسیار قوی است. این تصاویر، در واقع، نوعی بیان غیر مستقیم است که در سطور آینده به آن پرداخته می شود. نمونه باور این تصاویر را می توان در شعر «ای مرز پر گهر» از مجموعه تولدی دیگر یافت که تمام تصاویر این شعر، توصیفی طنز آلود در تصویر یک جامعه بیمار و بی حرکت است، بدون آن که از تشبیه، استعاره یا کنایه استفاده بکند.

بسیاری از تصاویر شاعرانه فروغ، به ویژه کنایات، تصاویر ترکیبی هستند. در زیر چند نمونه ارائه می شود:

۱. ترکیب تشبیه و تشخیص:

چون نگهبانی که در کف مشعلی دارد

می خرامد شب میان شهر خواب آلود

(دیوار، قصه ای در شب)

تشبیه شب به نگهبانی که در کف مشعل دارد، و تشخیص بخشیدن به شب با آوردن فعل «می خرامد».

۲. ترکیب تشخیص و کنایه:

و از شقیقه های مضطرب آرزوی من

فواره های خون به بیرون می پاشید

(ایمان بیاوریم ... ، پنجره)

آرزو به انسان تشبیه شده که از لوازم آن «شقیقه» در شعر به کار رفته است و ترکیب «از شقیقه آرزوی کسی فواره خون به بیرون پاشیدن» کنایه از، از میان رفتن و مرگ آرزوست.

۳. ترکیب رمز، تشخیص و کنایه:

افکار سردخانه را جنازه های باد کرده رقم می زند

(ایمان بیاوریم ... ، تنها صداست که می ماند)

که سردخانه، رمز انسان های متحجر و منجمد و جنازه باد کرده، رمز تفکرات پوسیده است. در عین حال، نسبت دادن فکر به سردخانه، تشخیص است و کل عبارت، کنایه از این است که انسانهای منجمد، دارای افکار مخصوص به خود هستند و اندیشه های هر ذهنی، متناسب با همان ذهن است.

در میان تصاویر فروغ، تشبیه، بیشترین حجم را به خود اختصاص داده است و پس از تشبیه، آرایه تشخیص قرار دارد.

رمز و استعاره مصرّحه در دو دفتر آخر شعر وی و خصوصاً در ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد حجم وسیعی از تصاویر را به خود اختصاص داده است.

عناصری که دو طرف تصویر را در اشعار فروغ می سازند، متنوع و متعدّدند. از میان آنها طبیعت و عناصر طبیعی، نسبت به سایر مقولات، از بسامد بالایی برخوردار است. پس از طبیعت، انسان و اعضای بدن او به خصوص دست، دل و دیده بیش از همه به کار رفته است. اشیا و لوازم عادی زندگی، مانند

برده، حریر، حصار، سفره، كرك، قفل، شمع و... نیز گاه یکی از دو طرف تصاویر را تشکیل می دهند.

مفاهیم و امور مربوط به انسان و یا زندگی اجتماعی او مانند زندگی، مرگ، ابتدیت، شعر، علامت، تمدن، خوشبختی و... رفته رفته در اشعار فروغ افزونی می یابند. در دو مجموعه آخر، بیشتر از مجموعه های قبلی، در تصویر سازی، ایفای نقش می کنند.

حیوانات نیز سهمی را در اشعار فروغ به خود اختصاص داده اند. البته حیواناتی که در شهر و زندگی شهری می توان آنها را یافت، مثل کلاخها، گنجشکها، ماهیها، و جیر جیرکها. دیگر مواردی که به ندرت به کار رفته اند، عبارتند از: موجودات وهمی و خیالی، مثل دیو، و عناصر قیمتی و اشرافی، مثل الماس و گوهر.

اکنون این موارد را در حیطه تقسیم بندی صور خیال به تفکیک و تفصیل بررسی می کنیم.

تشبیه

تشبیه در دیوان فروغ، بارزترین و گسترده ترین کار او در حوزه صور خیال است. در سه دفتر اول شعر او تشبیهات تازه و بدیع، کمتر به چشم می خورد، اما به تدریج بر حجم این تشبیهات افزوده می شود، به طوری که در تولدی دیگر ما شاهد تشبیهاتی با ساخت های نو و متفاوت هستیم.

از آنجا که در بررسی تشبیه از زاویه صور خیال، بیشتر در جستجوی یافتن پیوندهای شباهتی هستیم که شاعر میان اشیا برقرار کرده است، و بررسی تشبیه از حیث ساختار ظاهری، مورد نظر ما نیست، تشبیهات را به دو دسته «تشبیهات اضافی» و «تشبیهات گسترده» می توان طبقه بندی کرد.

منظور از تشبیهات اضافی (فشرده)، تشبیهاتی هستند که در آنها مشبّه به به مشبّه اضافه شده است. مانند: ماهی آرامش، دانه خاموشی، شعله راز و... و منظور از تشبیهات گسترده، تشبیهاتی هستند که حالت اضافی ندارند، خواه در آنها ادات تشبیه یا وجه شبه، ذکر یا حذف شده باشد. با در نظر گرفتن این مطلب، باید گفت که حجم تشبیهات اضافی در سه دفتر اول، از تشبیهات گسترده بیشتر است، اما در دو دفتر آخر، بر حجم تشبیهات گسترده افزوده شده.

تشبیهات گسترده

در بررسی تصاویر شاعرانه فروغ، خصوصاً در تشبیهات گسترده او، اولین چیزی که اغلب به صورت آشکار، خود را نشان می دهد، این است که پشت هر تصویر، درك و دریافتی که محصول تجربه شخصی است، وجود دارد یعنی تشبیهات، بر اساس یک حس و یک ادراك قوی، ساخته شده است، به گونه ای که تشبیه، تجسم می یابد و از حد کلمه می گذرد و مفهومی عمیق و ماندگار در ذهن ایجاد می کند. مثلاً راجع به زندگی می گوید:

گوش دادم به همه زندگیم
موش منفوری در حفرة خود
یک سرود زشت مهمل را
با وقاحت می خواند
جیر جیری سمج و نامفهوم
لحظه ای فانی را چرخ زنان می پیچید
و روان می گشت بر سطح فراموشی

(تولیدی دیگر)

در این تشبیه، نفرنی که از صدای جویدن یک موش منفور و در واقع، خواندن یک سرود، آن هم یک سرود زشت و مهمل، به فرد دست می دهد، عمق بدبینی و بیزاری شاعر را از زندگی خویش به درستی و با تأثیر فراوان منتقل می سازد که در واقع، ساختن این تصویر، احتیاج به تأمل عمیق در باب زندگی، و صداقت و شهامت بیان آن را دارد.
باید گفت فضای شعری فروغ، کلاً فضایی رازآلود و آمیخته با ابهام و حیرت است و جالب اینجاست که احساسات گنگ و ناشناخته وی نیز توانسته اند به روشنی در شعر منعکس شوند و یک طرف تشبیه قرار گیرند:

چیزی وسیع و تیره و انبوه
چیزی مشوش چون صدای دوردست روز
بر مردمک های پریشانم
می چرخد و می گسترده خود را

(تولیدی دیگر)

و یکی از عواملی که در تقویت این فضای ابهام آمیز، مؤثر بوده است، استفاده از قیدهای شک و تردید به جای ادات تشبیه است:

زندگی شاید

رسمانی است که مردی با آن خود را از شاخه می آویزد

*

شاید مرا از شاخه می چیند
شاید مرا مثل دری بر لحظه های بعد می بندند
شاید ...
دیگر نمی بینم

(تولیدی دیگر)

اکنون به بررسی تشبیهات تازه و بدیع او می پردازیم که ساختی متفاوت با تشبیهات شناخته شده دارند:
الف. تشبیهاتی که مشبه به در ساختار جمله، نقش بدل دارد:

ای هفت سالگی، ای لحظه شگفت عزیمت

(ایمان بیاوریم ...، ص ۲۳۷)^۲

کنون به گوش من دوباره می رسد

صدای تو،

صدای بال برفی فرشتگان

(تولیدی دیگر، ص ۳۰۰)

پائیز! ای سرود خیال انگیز

پائیز! ای ترانه محنت بار

(اسیر، ص ۸۰)

ب. تشبیهاتی که ملهم از حضور شاعر در یک مکان و موقعیت خاص در حال سرودن شعر است. در این گونه تشبیهات، وجه شبه، کاملاً مشخص و معلوم نیست. از محتوای شعر و ابیات پیشین و پسین، چنین استنباط می شود که این تشبیه براساس مشاهده منظره ای خاص، برای شاعر شکل گرفته است و وجه شبه از دقت در ابیات قبل یا بعد مشخص می شود. مثلاً در تشبیه «فردا» به «حجم سفید لیز» وجه شبه، واضح نیست، اما با مطالعه ابیات قبلی درمی یابیم که تشریح یک روز برفی، مورد نظر شاعر بوده است:

پاکیزه برف من چو کرکی نرم

آرام می بارید

بر نردبام کهنه چوبی

بر رشته نست طناب رخت

و فکر می کردم به فردا، آه

فردا ...

حجم سفید لیز

(تولیدی دیگر، ص ۲۹۱)

ج. تشبیهاتی که در عین صراحت، حاوی پیام مبهمی نیز می باشند که درك آن محتاج دقت بیشتر بر عناصر سازنده تشبیه است و این دقت، بیشتر به درك اوضاع و شرایطی که شاعر با آن درگیر است، می انجامد که با در نظر گرفتن این شرایط می توان منظور واقعی شاعر را دریافت.

چون تو را می نگرم

مثل این ست که از پنجره ای

تک درختم را سرشار از برگ

در تب زرد خزان می نگرم

(تولیدی دیگر، ص ۲۹۶)

در نگاه اول می توان گفت که معشوق شاعر به تک درختی پر برگ تشبیه شده است، اما اگر دقت کنیم، متوجه می شویم که تشبیه دیگری نیز در این قطعه، پنهان است و آن، اوضاع و شرایط زندگی شاعر و محیط اطراف اوست که به تب زرد خزان (که می تواند کنایه از اندوه و افسردگی باشد) تشبیه شده است. در اینجاست که اهمیت معشوق مشخص می شود که در محیطی که سراسر آن را خزان افسردگی فرا گرفته، همانند درختی سرشار از برگ (نماد شکوفایی و سرسبزی) برای شاعر جلوه یافته است.

د. تشبیهاتی که در آنها یک طرف تشبیه، واقعی نیست و شرایط تشبیه، قابل درك نمی باشند. این نوع تشبیهات را باید در حوزه بیان غیر مستقیم قرار داد:

کار ... کار؟

آری اما در آن میز بزرگ دشمنی مخفی مسکن دارد

که تو را می جود آرام آرام

و سرانجام تو در فنجانی چای فرو خواهی رفت

مثل قایق در گرداب

(تولیدی دیگر، ص ۳۵۴)

در اینجا فرو رفتن در فتنجان جای، مشبه، و فرو رفتن قایق در گرداب، مشبه به است، اما تجربه ای که با مشبه بیان شده، قابل درک نیست. می توان گفت معنی غیر مستقیم، «فرو رفتن در فتنجان جای» نابودی و تباه شدن عمر در کار مداوم و در نهایت بی نتیجه است. نمونه این بیانه‌های غیر مستقیم در بخش کنایه، ذکر خواهد شد.

هم. تشبیه منفی: گاه، شاعر، تشبیه به کار برده است اما با فعل منفی. زیبایی این تشبیهات در این است که هم تشبیه اند و هم تشبیه نیستند. تشبیه اند، چون مشبه و مشبه به دارند، و تشبیه نیستند، چون فعل آنها تشبیه را نفی می کند. مثال: غنچه نیستی که مست اشتیاق خیزم و ز شاخه ها بچینمبت

(دیوار، ص ۱۸۱)

(از این تشبیه، تفضیل مشبه بر مشبه به هم به نوعی برداشت می شود).

یا این تشبیه:

هرگز آرزو نکرده ام
یک ستاره در سراب آسمان شوم

(تولدای دیگر، ص ۳۰۲)

که تشبیه در آن پنهان است. یعنی من نمی خواهم مانند یک ستاره در آسمان باشم.

و. تشبیه مخفی: تشبیهاتی که بدون هیچ نشانه ای به کار رفته اند و با دقت در زرف ساخت جمله است که می توان تشبیه را در آن یافت. در بیت زیر:
شب لحظه ای به سایه خود بنگر
تا روح بی قرار مرا بینی

(دیوار، ص ۲۱۸)

سایه معشوق، مشبه، و روح بی قرار شاعر، مشبه به است

که با دقت در روابط و اجزای جمله تشبیه آشکار می شود. در تشبیهات گسترده، گاه، وجه شبه، منتزاع از امور متعدد است، و دو طرف تشبیه، مجموعه چند کلمه هستند که صفات و ویژگیهای خاص خود را دارند. در این تشبیهات، گاه مشبه به، چند کلمه (یا یک جمله) است، و مشبه، یک کلمه، و گاهی برعکس این حالت است. اما در اغلب موارد، هم مشبه و هم مشبه به، هر یک از چند کلمه تشکیل شده اند. این تشبیهات که در واقع تمثیل هستند، از عناصر زیبایی بیانی در شعر فروغ می باشند. مثلاً در قطعه زیر:

همه ذرات جسم خاک من
از تو ای شعر گرم در سوزند
آسمانهای صاف را مانند
که لبالب ز باده روزند

(عصیان، ص ۲۸۴)

پرشدن و لبالب شدن جسم شاعر از روح گرم شعر، مشبه، و پر شدن آسمان از باده گرم روز، مشبه به است که وجه شبه در آن، غلبه احساس گرما و حرارت است. (ضمن آنکه باده گرم روز نیز تشبیهی فشرده است). البته این تشبیهات، گاه مخفی هستند، مثلاً در قطعه زیر:

بر او ببخشاید
بر او که گاه گاه
پیوند دردناک وجودش را
با آب های راکد
و حفره های خالی
از یاد می برد

(تولدای دیگر، ص ۳۲۱)

وجود از حیث سکون و ماندگاری و تهی بودن، به آب های راکد و حفره های خالی تشبیه شده است که از لفظ پیوند،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



متوجه این تشبیه می شویم.

یا قطعه زیر:

من در این آیه تو را آه کشیدم، آه

من در این آیه تو را

به درخت و آب و آتش پیوند زدم

(تولدی دیگر، ص ۴۱۵)

تو (معشوق) در یک تشبیه مخفی، از حیث سرسبزی، به درخت، از حیث شفافی و روشنایی، به آب، و از حیث شور و حرارت، به آتش تشبیه شده و تمام این موارد با فعل پیوند زدن به یکدیگر مربوط گشته است.

تشبیهات اضافی (فشرده)

تشبیهات فشرده که به صورت ترکیبات اضافی، از انواع دیگر تشبیه اند که حجم زیادی از اشعار فروغ را به خود اختصاص داده اند. این تشبیهات که در دو کلمه مشبه و مشبه به خلاصه می شوند، در نهایت ایجاز به کار رفته اند. هرچند در اغلب موارد می توان وجه شبه میان مشبه و مشبه به را از روی حواس ظاهری، به خصوص حس بینایی دریافت، اما در بسیاری موارد نیز ترکیب اضافی، به صورت مجرد، معنا ندارد و با قرار گرفتن در جمله یا ارتباط برقرار کردن با فضای شعر است که ارتباط معنایی میان دو جزء آن آشکار می گردد. این موارد را در زیر، مورد بررسی قرار می دهیم:

الف. ترکیباتی که با قرار گرفتن در جمله و برقراری ارتباط با کل اجزای جمله، زیبایی خود را آشکار می سازند: مثلاً ترکیب «خاک سرد آینه» و تشبیه آینه به خاک سرد، به تنهایی، زیبایی ندارد و وجه شبه آن نیز آشکار نیست، اما در بیت زیر هنگامی که ارتباط آن با سایر اجزای جمله آشکار می شود، لطف و زیبایی تعبیر نیز نمایان می گردد:

از دل خاک سرد آینه
ناگهان پیکرش جو گل روید

(عصیان، ص ۲۷۰)

ب. ترکیباتی که وجه شبه در آنها ملهم از احساس درونی شاعر است و با مطالعه شعر و درک زمینه معنایی آن که توسط کلمات دیگر، ما را به احساسات و عواطف درونی شاعر هدایت می کند، می توانیم وجه شبه را میان مشبه و مشبه به دریابیم. مثلاً در ترکیب اضافی «آتش لحظه درنگ» وجه شبه تشبیه «لحظه» به «آتش» هنگامی آشکار می شود که فضای شعر و اضطراب درونی و هیجان و غلیان روحی شاعر را دریابیم و متوجه شویم که آن لحظه برای شاعر از حیث اضطراب و تشویش و هیجان، حکم آتشی را داشته که وجودش را می سوزانده است:

آنکه در آسمان نگاهت گشوده گشت

بال بلور قوس و قزح های رنگ رنگ

در سینه قلب روشن محراب می تپید

من شعله ور در آتش آن لحظه درنگ

(عصیان، ص ۲۵۹)

ج. مواردی که وجه شباهت، توسط حواس ظاهری، مستقیماً درک نمی شود، بلکه از درک ویژگیهای خاص مشبه و مشبه به و ارتباط میان آنها به وجه شبه پی می بریم. مثلاً در ترکیب «پيله تنهایی» باید گفت که وجه شبه، متزعزع از درک حالت خاص پيله بستن و حصار، و حفاظتی به گرد خود به وجود آوردن و مقایسه آن با حالت تنهایی است که جدا ماندن یک نفر از دیگران و ایجاد فاصله میان او و جمع است:

تنم به پيله تنهایی ام نمی گنجید

(تولدی دیگر، ص ۳۷۸)

د. در مواردی نادر، یافتن ارتباط میان مشبه و مشبه به، اگرچه تشبیه صراحت دارد، دشوار است مانند تشبیه فشرده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



«چنگ اندوه» که به آسانی نمی توان وجه شباهت میان اندوه و چنگ را یافت:

چنگ اندوهم خدا را زخمه ای
زخمه ای تا بر کشم آواز خویش

(اسیر، ص ۹۷)

تشبیه از نظر محسوس و معقول بودن طرفین آن معمولاً قدامت شبیه را از حیث طرفین آن به چهار نوع تقسیم کرده اند:

الف. مشبه محسوس و مشبه به محسوس.

ب. مشبه محسوس و مشبه به معقول.

ج. مشبه معقول و مشبه به محسوس.

د. مشبه معقول و مشبه به معقول.

در بررسی تشبیهات فروغ، از حیث دو طرف تشبیه (که معقول یا محسوس باشد) نکات زیر قابل تأمل است:

الف. مشبه معقول و مشبه به محسوس

حجم گسترده ای از تشبیهات فروغ را تشبیهات معقول به محسوس دربر می گیرد، یعنی مشبه در آنها عقلی، و مشبه به، امری حسی است. این امور حسی، عناصر متعددی را شامل می شوند. از طبیعت و اجزا و جلوه های آن گرفته تا لوازم زندگی شهری، حیوانات و ... این تشبیهات از نظر ساختاری، هم به شکل اضافی و هم به شکل گسترده به کار رفته است. نمونه تشبیهات اضافی:

جام امید: آه از این دل، آه از این جام امید (دیوان اشعار فروغ فرخ زاد، ص ۷۶) مشبه: امید (معقول)، مشبه به: جام (محسوس)

شکوفه اندوه: اما من آن شکوفه اندوهم (همان، ص ۲۱۹) مشبه: اندوه (معقول)، مشبه به: شکوفه (محسوس) نمونه تشبیهات گسترده:

آه چه آرام و پرغرور گذر داشت
زندگی من چو جویبار غریبی
در دل این جمعه های ساکت

مشبه: زندگی (معقول)، مشبه به: جویبار (محسوس) و مرگ، آن درخت تناور بود ... (همان، ص ۴۴۱) مشبه: مرگ (معقول)، مشبه به: درخت (محسوس)

ب. مشبه محسوس و مشبه به محسوس
دومین ساختار مشبه و مشبه به - از حیث حجم تشبیهات - تشبیهاتی هستند که هر دو طرف آن حسی هستند، یعنی هم مشبه و هم مشبه به از عناصر محسوس می باشند.
نمونه تشبیهات اضافی:

آسمان دیده:
امشب از آسمان دیده تو
روی شمرم ستاره می بارد

(همان، ص ۶۹)

مشبه: دیده (محسوس)، مشبه به: آسمان (محسوس)
ابریشم باران:

رقصد به روی پنجره ها باز
ابریشم معطر باران

(همان، ص ۲۵۷)

مشبه: باران (محسوس)، مشبه به: ابریشم (محسوس)
نمونه تشبیهات گسترده:

دیدگانم همچو دالان های تار
گونه هایم همچو مرمرهای سرد

(همان، ص ۲۸۱)

مشبه: دیده (محسوس)، مشبه به: دالان (محسوس)
مشبه: گونه (محسوس)، مشبه به: مرمر (محسوس)

ج. مشبه محسوس و مشبه به معقول

این ساخت، تنها در تشبیهات گسترده - در چند مورد - به کار رفته است و در تشبیهات اضافی، چنین ترکیبی وجود ندارد.

مثال:

دستهایت را چون خاطره ای سوزان
در دستان عاشق من بگذار

(همان، ص ۳۰۸)

که در تشبیه فوق، مشبه، دست و مشبه به، خاطره سوزان است که معقول می باشد.

مثال:

و چهره شگفت از آن سوی دریچه به من گفت:
حق با کسی است که می بیند

من مثل حس گم شدگی و حسّت آورم.

مشبه: من (محسوس)، مشبه به: حس گم شدگی (معقول)

د. مشبه معقول و مشبه به معقول

چنین ساختی در تشبیهات فروغ وجود ندارد، جز یکی دو مورد در تشبیهات اضافی: مثل دیو دروغ یا خدای خم.

انواع امور و عناصری که دو طرف تشبیه را تشکیل داده اند

الف: امور و عناصری که مشبه ها را شامل شده اند:

۱. بیشترین عناصری که مشبه ها را دربر گرفته اند، انسان و اعضای بدن و عواطف انسانی هستند. انسان با ضمیر من، تو، او و ما (در تمام خود شاعر، معشوق و دیگران) به کار رفته که در تشبیهات گسترده، دارای بسامد بالایی است: (ضمیر من ۴۷ بار، ضمیر تو ۳۳ بار، ضمیر او ۲۰ بار مشبه واقع شده اند). اعضای بدن انسان که در میان آنها شاخص ترین عضوها دست، دل و دیده هستند (و پس از آنها تن، سینه، رگ، انگشت) در تشبیهات گسترده و اضافی هر دو به کار رفته اند و همچنین افعال و صفات و ملازماتی که با یکی از این اعضا ارتباط دارند (اشک، نگاه، نوازش و ...).

صفات و حالات و عواطف انسانی، مثل عشق، خم و اندوه، گناه، حسرت، خیال، درد، امید، انتظار، اعتماد و ... نیز بسامد بالایی در میان مشبه ها، چه در تشبیهات اضافی و چه در تشبیهات گسترده دارند.

۲. پس از انسان و اعضا و عواطفش، طبیعت و عناصر آن، در موارد متعدد، مشبه قرار گرفته اند. شب، باران، خورشید، روز، ابر، آسمان، موج، مهتاب و ... بخشی از عناصر طبیعت هستند که به مشبه به های مختلف تشبیه شده اند.

۳. در مرتبه سوم می توان برخی مفاهیم و امور مربوط به زندگی انسانی را قرار داد مثل مرگ، زندگی، ابدیت، حادثه، شعر، حیات، زیبایی، خوشبختی، عدالت و ...

۴. و در آخر می توان از اشیا و لوازم هادی زندگی نام برد که در شعر فروغ، گاه، مشبه واقع شده اند، مثل چراغ، خانه، اتاق، بادکنک، (فرو رفتن در) فنجان چای، کتاب، کف،

لامپ و گنبد.

ب. امور و عناصری که مشبه به ها را شامل می شوند:

در مقایسه با مشبه ها، مشبه به ها از تنوع و گستردگی بیشتری برخوردارند و شامل موارد بیشتری می شوند:

۱. بیشترین حجم مشبه به، متعلق به طبیعت و عناصر طبیعی است که باز از این میان، مشبه های معقول، بیشتر از مشبه های محسوس، به عناصر طبیعت تشبیه شده اند.

ترکیباتی نظیر میوه بیهودگی، صحرای آزادی، نسیم آرزو، کویر خم، چشمه گناه، شبنم یقین و ... نمونه ای از تشبیه مفاهیم معقول به مشبه به های محسوس طبیعی هستند.

در میان مشبه های محسوس، انسان و اعضای بدن بیش از سایر موارد به عناصر طبیعی تشبیه شده اند.

۲. پس از طبیعت و عناصر طبیعی، اشیا و وسایل عادی زندگی، بیشتر مشبه به واقع شده اند، مثل پرده، حصار، قفل، شمع، جام و ...

۳. حیوانات، سومین مرتبه را به خود اختصاص داده اند. گاهی مفاهیم معقول نیز به حیوان تشبیه شده اند. مثل تشبیه آرامش به ماهی (چشمه‌های برکه تاریک ماهی های آرامش) یا انزوا به کلاغ (کلاغ های منفرد انزوا) یا ایمان به کبوتر (نام آن کبوتر خمگین کز قلبها گریخته، ایمان است) و گاه نیز مشبه ها محسوس هستند، مثل انسان (با ضمیر من) که به کبوتر، مرغ، مار و ... تشبیه شده یا اعضای بدن، مثل چشم که به رطیل تشبیه شده است.

دیگر مواردی که به ندرت، مشبه به قرار گرفته اند، عبارتند از: اعضای بدن انسان، مثل چشم، مویرگ و ...، موجودات وهمی و خیالی، مثل دیو، عناصر قیمتی و اشرافی مثل الماس و گوهر و برخی احساسات و عواطف مثل حس گم شدگی، خاطره سوزان، حس سبز درختان و ...

پی نوشتها:

۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، چاپ اول، ص ۹۴.

۲. مرجع تمام صفحات در این مقاله، دیوان اشعار فروغ فرخ زاد، چاپ اول، انتشارات مروارید، تهران، ۱۳۷۱ است.